

امام شناسی در دعای افتتاح

حجت الاسلام والمسلمین محمدامین صادقی ارزگانی*

مقدمه

از دعاهای مشهور شب‌های ماه رمضان، دعای افتتاح است. این دعا با توحید و خداشناسی شروع می‌یابد، با سیر معرفتی در پیامبرشناسی، امام‌شناسی و فاطمه‌شناسی ادامه یافته است و در مهدی‌شناسی مستغرق شده است. این نیایش اینگونه با ستایش آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتِيحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ...»؛^۱ آن‌گاه مشق عشق و اظهار بندگی را آموزش می‌دهد؛ سپس با درود بر پیامبر ﷺ برخی صفات ایشان را بیان می‌نماید و آن‌گاه وارد امام‌شناسی می‌گردد. در بخش امامت بیشترین فرازهای دعا به امام زمان عجل الله تعالی فرجه اختصاص یافته است. در این نوشتار تنها فرازهای امام‌شناسی این دعا بررسی می‌شود تا از سبوی این دعای قدسی جرعه‌ای معرفت و راهنماشناسی حاصل آید و مشکات جان با نور شناخت امامان عليهم السلام روشن شود؛ به‌ویژه بر اساس این آموزه نورانی که: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنِ دِينِي»،^۲ معلوم می‌شود شناخت حجت الهی همواره چراغ فراره حیات معنوی و دینی انسان‌های دین‌مدار است.

۱. بایستگی شناخت امام

امام‌شناسی همانند شناخت توحید و ضرورت پیغمبرشناسی، اصلی است که در نگاه اسلام در تحقق اسلامیّت هر مسلمان ضرورت اجتناب‌ناپذیر دارد. رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. خدایا، من همراه ستایشات ستودن تو را آغاز می‌کنم (محمد بن حسن طوسی، مصباح‌المتعبد و سلاح‌المتعبد، ج ۲، ص ۵۷۸).

۲. خداوندا، حجت خود را به من بشناسان، اگر او را به من نشناسانی من در امور دینی خود به بیراهه خواهم رفت (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸).

لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً^۱: هر که بدون شناخت امام زمان خویش بمیرد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. فخر رازی این حدیث را اینگونه نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا^۲: اگر کسی بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، پس باید به خواست خودش یهودی یا نصرانی بمیرد؛ ولی مسلمان از دنیا نخواهد رفت.

بنابراین معرفت امام نقش بنیادین در نجات و سعادت انسان دارد؛ چراکه شناخت امامت دامنه معرفت توحیدی است؛ به همین دلیل امام باقر علیه السلام ذیل آیه فطرت^۳ فرمود: «هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ إِلَى هَاهُنَا التَّوْحِيدُ»^۴. در این روایت تصریح شده است توحید تا مرحله پذیرش ولایت امتداد دارد و اگر کسی ولایت را نپذیرد، در واقع ایمان او به توحید حاصل نشده است؛ چراکه ایمان به ولایت و پذیرش آن فرمان خداوندی است. با توجه به حقایق گفته شده در باب ضرورت معرفت امام، باید دید امام در دعای نورانی افتتاح چگونه معرفی شده است؟

در دعای افتتاح دو نوع صفات مشترک و اختصاصی امامان علیهم السلام طرح شده است؛ یعنی برخی صفات از ویژگی‌های علی علیه السلام است و برخی دیگر مشترک بین ائمه علیهم السلام است که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

۲. جایگاه و امامت علی علیه السلام

نخستین فراز امام‌شناسی دعای افتتاح به جایگاه و امامت علی علیه السلام اختصاص یافته است؛ از علی علیه السلام در جایگاه امیر مؤمنان، وصی رسول اعظم صلی الله علیه و آله، حجت خدا، آیت کبری و نبأ عظیم یاد شده است که جایگاه بلند و امامت ایشان را نشان می‌دهد:

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ
وَإِخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَآيَتِكَ الْكُبْرَى، وَالتَّبَأَ الْعَظِيمِ»^۵: خداوند، بر

۱. همان، ج ۶، ص ۱۲۴؛ عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۱۰، ص ۳۵۹ - ۳۶۰.

۲. محمد بن عمر فخر رازی، مجموعة الرسائل، المسائل الخمسون، ص ۳۸۴.

۳. روم: ۳۰.

۴. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۴۱.

۵. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجب و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۵۷۸؛ تقی‌الدین ابراهیم کفعمی، المصباح، ص ۵۷۹.

علی امیرمؤمنان که جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، برادر رسول، بنده، ولی، حجت تو بر بندگان، آیت کبرای تو و نبأ عظیم است، درود فرست.

در این فراز به چند وصف وجودی امام علی علیه السلام اشاره شده است که برخی از آنها ویژه خود حضرت و برخی دیگر اوصاف مشترک بین دوازده امام معصوم علیهم السلام است که به اختصار تبیین می شود:

۱-۲. لقب امیرمؤمنان

در این دعای نورانی از علی علیه السلام به «امیرمؤمنان» یاد شده است و این لقبی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر به آن حضرت داده است. شیخ مفید روایتی مشهور را نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به هفت تن از اصحاب خود از جمله ابوبکر، عمر، طلحه و زبیر فرمان داد تا بر علی علیه السلام با لقب امیرالمؤمنین سلام کنند.^۱ ام سلمه که در چند مورد شاهد اعطای لقب امیرالمؤمنین به امام علی علیه السلام بوده است، می گوید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به علی علیه السلام به من فرمود: «إِسْمِعِي وَ إِشْهَدِي هَذَا عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ»^۲ آن چیزی را که می گویم بشنو و گواهی بده که این علی، امیرمؤمنان و سرور اوصیاست.

نکته ای که باید اشاره شود اینکه لقب «امیرمؤمنان» از القاب خاص حضرت مولا علی علیه السلام است؛ حتی اطلاق این وصف بر فرزندان معصوم او که یازده جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از او هستند، درست نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فَمَا سَمَيْتُ بِهِذَا أَحَدًا قَبْلَهُ وَ لَا سَمَيْتُ بِهِذَا أَحَدًا بَعْدَهُ»^۳ هیچ کس را قبل از او به این لقب نامیدم و هیچ کس را بعد از او به این لقب نخواهم نامید. شخصی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و به حضرت چنین سلام کرد: السلام علیک یا امیرالمؤمنین! امام علیه السلام ایستاد و فرمود: آرام باشید! این اسمی است که جز امیرمؤمنان علی علیه السلام کسی زینده آن نیست. خداوند این لقب را به او داده است و هیچ کس دیگری را به این لقب نخوانده است.^۴

۲-۲. آیت کبری و نبأ عظیم

از اوصاف اختصاصی دیگر امام علی علیه السلام که در این دعا اشاره شده است، «آیت کبرای الهی و

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۴۸.

۲. همان.

۳. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۲۹۵.

۴. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶.

نبا عظیم» است. گرچه تمام آسمان و زمین و آنچه در آنهاست، دلایل وجود حق و آیات او هستند؛ ولی امام علی علیه السلام از نظر تکوین و تشریح آیه العظمی و نبا اعظم در عالم وجود است. همچنان که خود حضرت فرمود: «مَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، وَلَا لِلَّهِ مِنْ نَبَأٍ أَعْظَمُ مِنِّي»^۱ برای خداوند عزوجل نشانه و خبری بزرگ‌تر از من نیست.

در تفسیر نمونه می‌خوانیم: «... ولی در روایات زیادی که از طرق اهل بیت علیهم السلام و بعضی از طرق اهل سنت نقل شده است، "نبا عظیم" [خبر بزرگ] به مسئله ولایت و امامت امیرمؤمنان "علی علیه السلام" که مورد اختلاف و گفتگو از سوی جمعی بود یا به مسئله "ولایت به طور اعم" تفسیر شده است. این روایات گاه از خود علی علیه السلام و گاه از امامان دیگر علیهم السلام نقل شده است؛ چنان که حافظ محمد بن مؤمن شیرازی - که از علمای اهل سنت است - نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله در تفسیر "عَمَّ يَنْسَاءُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ" فرمود: منظور ولایت علی علیه السلام است که از آنها درباره آن در قبر سؤال می‌شود؛ همچنین روز جنگ صفین مردی از لشکر شام در حالی که سلاح بر تن پوشیده و قرآنی حمایل کرده بود، وارد میدان شد و آیه «عَمَّ يَنْسَاءُونَ * عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» را تلاوت می‌کرد. علی علیه السلام شخصا به میدان او آمد و به او فرمود: آیا می‌دانی نبا عظیمی که در آن اختلاف دارند، چیست؟ آن مرد در جواب گفت: نه، نمی‌دانم. امام علیه السلام فرمود: منم آن نبا عظیم که درباره آن اختلاف دارید و در ولایت او به نزاع برخاسته‌اید، شما از ولایت من باز گشتید بعد از آنکه پذیرفتید و در قیامت بار دیگر آنچه را قبلاً در این زمینه دانسته‌اید خواهید دانست»^۲. بر این اساس ولایت امام علی علیه السلام مهم‌ترین معیار و شاخصه دین‌داری است.

۲-۳. صفات مشترک ائمه علیهم السلام

برخی دیگر از صفات وجودی امام که در فرازهای دعای افتتاح آمده است؛ مثل «عبودیت»، «ولایت» و «حجیت» مشترک بین حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و یازده امام از فرزندان آنهاست؛ همه آن انوار الهی به مقام عبودیت مطلقه، ولایت مطلقه و حجیت مطلقه بار یافته بودند. در تبیین این سه مقام باید گفت: عبودیت و بندگی که تنها راه قرب وصال به حق و براق عروج و رفرف معراج است، مراتب و درجات متفاوتی دارد و عالی و کامل‌ترین مرحله آن تنها نصیب پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او می‌شود؛ به همین دلیل امام خمینی رحمته الله علیه در این باره گفته است:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۰.

«باید دانست که عبودیت مطلقه از اعلیٰ مراتب کمال و ارفع مقامات انسانیت است که جز کَمَل خلق الله محمد بالاصالة و دیگر اولیای کَمَل بالتبعة، کسی را از آن نصیبی نیست و دیگران پای عبودیت‌شان لنگ است»^۱.

ولایت مطلقه نیز بعد از مقام ختمی از آن علی و ائمه معصومین علیهم‌السلام از اولاد اوست؛ همچنین حجت مطلقه نیز از آن علی و ائمه علیهم‌السلام است که همواره در عالم وجود دارد و زمین هیچ‌گاه بدون حجت الهی نیست. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: «اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا، لِيَتَلَّ تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ»^۲. خداوند، آری زمین از کسی که به حجت خدا برای خدا قیام نماید، تهی نمی‌ماند؛ قائمی آشکار و مشهور یا ترسان و پنهان تا دلایل الهی و بیناتش باطل نگردد.

۳. امام نور خداوند در زمین

ائمه علیهم‌السلام تجلی نور خدا در زمین اند. ابوخالد کابلی می‌گوید از امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه پرسیدم: «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا»؟^۳ حضرت فرمود: «يَا أَبَا خَالِدٍ، النُّورُ وَاللَّهِ الْأَيْمَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ»^۴. به خدا سوگند ای اباخالد، نور همانا ائمه علیهم‌السلام هستند.

به دلیل همین مقام نورانی ائمه علیهم‌السلام است که در فراز دیگر دعای افتتاح پس از امیرمؤمنان، از حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام و هر یک از ائمه علیهم‌السلام، نام برده و بر هر کدام جداگانه درود فرستاده شده است:

«وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ، وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ؛ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمُهَدِيِّ، حُجَّجِكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَأَمْنَاتِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً».

۱. امام خمینی، آداب الصلاة، ص ۱۰.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۳.

۳. پس به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کردیم، ایمان آورید (تغابین: ۸).

۴. علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۷۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۴. امام، عدل‌گستر جهان

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، بیشتر توجه دعای افتتاح در بحث امام‌شناسی مربوط به آخرین امام و ذخیره عالم وجود است؛ در واقع در این دعا پس از هر کدام از پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، درباره آخرین امام به‌گونه‌ای یاد شده که بفهماند همه اهداف متعالی و آورده‌های وحیانی پیامبر و ائمه علیهم‌السلام توسط حضرت مهدی موعود علیه‌السلام به منصفه ظهور می‌رسد؛ به همین دلیل در فرازی از دعا آمده است: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ، وَحَقِّهِ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»: خدایا، درود فرست بر ولی امرت، آن قائم آرزوشده و دادگستر موردانتظار و او را در حمایت فرشتگان مقربت قرار ده و به روح القدس حمایتش کن؛ ای پروردگار جهانیان.

یکی از صفات بارز حضرت مهدی علیه‌السلام که در این فراز دعا به آن اشاره شده است، عدل‌گستری اوست؛ این ویژگی در واقع تجلی همان رحمتی است که در قرآن در وصف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». ^۱ مهدی موعود علیه‌السلام ذخیره الهی است که پیام همین آیه یعنی عدل‌گستری جهانی و رحمت رحمانی حق تعالی را در سراسر عالم به عینیت می‌رساند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا»: ^۲ اگر از روزگار به جز یک روز باقی نماند، همانا خداوند مردی از خاندان من مبعوث می‌کند تا جهان را پر از عدل و داد کند، چنان‌که پر از ستم گردیده است.

گفتنی است یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های امامت، برقراری عدالت جهانی است که این مهم توسط آخرین امام محقق خواهد شد؛ بنابراین آخرین امام جلوه‌گاه اوصاف و آمال وحیانی همه ائمه علیهم‌السلام است؛ از این رو امام خمینی ره گفته است: «آخرین ذخیره امامت، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ‌پرچم‌دار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار».^۳ استاد شهید مطهری می‌نویسد:

«اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل

۱. و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم (انبیاء: ۱۰۷).

۲. ابوداود سجستانی، صحیح ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۷.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۵.

مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالی قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به "مهدی" تعبیر شده است.^۱ شهید مطهری در بیانی دیگر می‌نویسد: «اصلاً ما حضرت مهدی علیه السلام را به قیام و عدالت می‌شناسیم. هر امامی به یک صفت شناخته می‌شود، این امام به قیام و عدالت شناخته می‌شود».^۲

امام خمینی علیه السلام تجلی اوصاف پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را درباره امام مهدی موعود علیه السلام در شعر مخمس به زیبایی سروده است که فرازی از آن چنین است:

مصطفی سیرت، علی فر، فاطمه عصمت و حسن خو

هم حسین قدرت، علی زهد و محمد مهر و

شاه جعفر فیض، کاظم حلم و هشتم قبله گیسو

هم تقی تقوا، نقی بخشایش وهم عسکری مو

مهدی قائم که در وی جمع، اوصاف شهان شد

پاشاه عسکری طلعت، نقی حشمت و تقی فر

بوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر

علم باقر، زهد سجاد و حسینی تاج و افسر

مجتبی حلم و رضیه عفت و صولت چو حیدر

مصطفی اوصاف و مجلای خداوند جهان شد^۳

۵. امام احیاگر زمین

یکی از صفات امام زمان علیه السلام این است که عالم و آدم در سایه‌سار وجود ایشان احیا می‌شود؛ خداوند می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^۴ بدانید که خدا زمین را پس از

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۰۶.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۶۴.

۳. امام خمینی، دیوان امام خمینی، ص ۲۷۶.

۴. حدید: ۱۷.

مردگی‌اش زنده می‌کند. بر اساس روایات حیاتی که در این آیه طرح شده، اختصاص به زنده‌شدن طبیعی آن در فصل بهار ندارد، بلکه حیات واقعی زمین با ظهور عدل‌گستر جهانی پدید می‌آید. از امام باقر و امام کاظم علیه‌السلام ذیل این آیه نقل شده که فرمود: «يَحْيَى اللّٰهُ بِالْقَائِمِ، فَيَعْدِلُ فِيهَا فَيَحْيَى الارضَ بِالْعَدْلِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِالظُّلْمِ»^۱: زمین را خداوند به وسیله قائم آل محمد زنده می‌کند و عدالت در آن پدید می‌آید و زمین بعد از آنکه در پی ظلم می‌میرد، با عدل احیا می‌شود. باید به این نکته اشاره شود که زمینیان و زمانیان در پرتو وجود انسان کامل احیا می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۲: ای اهل ایمان، چون خدا و رسول شما را به آنچه مایه حیات ابدی شماست دعوت کنند، اجابت کنید.

پس انسان کامل که مظهر اسم «المحیی» است، عالمیان و آدمیان را احیا می‌کند و حیات طیبه به آنها می‌بخشد که فرمود: «فَلنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»^۳. «حیات طیبه یعنی زندگی‌ای که در آن هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد؛ فواید اجتماعی، سعادت اجتماعی... قرآن اینها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن می‌گوید: «فَلنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ یعنی همه اینها، یعنی آن زندگی‌ای که در آن عزت هست، امنیت هست»^۴.

حیات طیبه این در سایه‌سار امام به‌دست‌آمدنی است که او خلیفه خدا در زمین است؛ از این رو در فراز دعای افتتاح آمده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ، اسْتَخْلَفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ»؛ خدایا او را دعوت‌کننده به کتابت و قیام‌کننده به آیین توحید قرار بده، او را جانشین خود روی زمین گردان؛ چنان‌که پاکان پیش از او را جانشین خویش قرار دادی.

فهرست منابع

قران کریم

۱. ابن نعمان، محمد بن محمد شیخ مفید؛ الارشاد؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۱. حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینایع المودة، ج ۳، ص ۴۲۹.

۲. انفال: ۲۴.

۳. نحل: ۹۷.

۲. _____؛ الارشاد؛ قم: نشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۳. امام اول، علی بن ابی طالب علیه السلام؛ نهج البلاغه؛ قم: نشر مؤسسه امیرالمؤمنین، ۱۳۸۸ ش.
۴. امام خمینی، سیدروح الله؛ آداب الصلاة؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰ ش.
۵. _____؛ دیوان امام خمینی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ ش.
۶. _____؛ صحیفه امام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۷. امینی، عبدالحسین؛ الغدير؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، [بی تا].
۸. بحرانی، سیدهاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۹ ق.
۹. خامنه ای، سیدعلی؛ سایه سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان)؛ چ اول، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. سجستانی، ابوداود؛ صحیح ابی داود؛ مصر: المطبعة التازیة، [بی تا].
۱۱. صادقی، محمدمین؛ سیمای اهل بیت علیهم السلام در عرفان امام خمینی رحمته الله؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ بیروت: دار الثقافة، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. _____؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد؛ بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ بیروت: منشورات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، [بی تا].
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر؛ مجموعه الرسائل، المسائل الخمسون؛ مصر: [بی نا]، ۱۳۲۸ ق.
۱۶. قمی، شیخ عباس؛ مفاتیح الجنان؛ قم: انتشارات فاطمه زهرا، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. قمی، علی ابن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ قم: نشر مؤسسه دار الکتب، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. قندوزی، حافظ سلیمان ابن ابراهیم؛ ینایع المودة؛ قم: مکتبه المهدي، ۱۳۸۵ ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ مصحح: علی اکبر غفاری؛ چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.